338146 ـ کسی که به سبب تشنگی و ترس از هلاکت یا زیان دیدن روزه‌اش را خورده آیا ادامه دادن به خوردن برایش جایز است؟

سوال

کسی که از شدت تشنگی روزه‌اش را خورده آیا برایش جایز است در این روز که در آن آب نوشیده غذا هم بخورد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

کسی که از شدت عطش روزه‌اش را باز کند، به این صورت که از مرگ یا زیان شدید ترسید یا به سبب مشقت نتوانست روزه‌اش را به پایان برساند، لازم است که بقیهٔ روز را امساک کند (چیزی از باطل کننده‌های روزه را انجام ندهد) و برایش حلال نیست که بخورد یا در نوشیدن زیاده‌روی کند، بلکه به اندازه‌ای که زیان را از خودش دور کند بنوشد سپس تا مغرب دست نگه دارد و چیزی نخورد و ننوشد سپس آن را روز را [بعد از رمضان] قضا کند.

در «کشاف القناع» (۲/ ۳۱۰) آمده است: «ابوبکر آجری می‌گوید: کسی که کارش سخت بود اگر به سبب روزه بیم هلاکت داشت، افطار می‌کند و قضایش را به جای می‌آورد، اگر ترک کارش به او زیان می‌رساند، اما اگر ترک آن کار به او زیانی نمی‌رساند، با باطل کردن روزه‌اش گناهکار می‌شود [زیرا ترک کار مقدم بر ترک روزه است] و آن کار را ترک می‌کند و الا خیر. یعنی اگر با ترک آن کار زیان می‌بیند به سبب باطل کردن روزه‌اش گناهکار نمی‌شود زیرا عذر دارد».

در فتاوای انجمن دائم فتوا (۱۰/ ۲۳۳) آمده است: «برای شخص به مجرد این‌که کارگر است جایز نیست که روزه‌اش را در روز رمضان باز کند، اما اگر مشقت بسیار بر او وارد شد و مجبور شد که در اثنای روز روزه‌اش را باز کند، به اندازه‌ای می‌خورد که مشقت را از او دور سازد، سپس تا غروب خورشید دست نگه می‌دارد و همراه با مردم افطار می‌کند و آن روز را که افطار کرده قضا می‌کند».

از شیخ ابن باز ـ رحمه الله ـ پرسیده شد: «گاه برخی از مردم به دلیلی مانند عطش شدید روزه‌شان را می‌خورند، و چون افطار کردند به خوردن و نوشیدن ادامه می‌دهند و خوردن هر چیزی را روا می‌دانند. واجب در چنین حالتی چیست؟

پاسخ: برایش جایز نیست، بلکه به اندازهٔ نیاز افطار می‌کند سپس دست نگه می‌دارد. اگر به سبب تشنگی بود به اندازهٔ تشنگی‌اش می‌نوشد، و اگر به سبب گرسنگی بود به اندازهٔ سد رمق می‌خورد، سپس تا غروب خورشید دست نگه می‌دارد و به

خوردن ادامه نمی‌دهد. بلکه تنها به اندازهٔ ضرورت می‌خورد و می‌نوشد سپس [به نخوردن و ننوشیدن] ادامه می‌دهد و همین‌طور انسانی اگر خواست کسی را از غرق یا از دست دشمن نجات دهد و نتواند او را نجات دهد مگر با خوردن روزه‌اش، افطار می‌کند سپس برادرش را نجات می‌دهد سپس تا غروب خورشید دست نگه می‌دارد، سپس همان روز را فقط قضا می‌کند، زیرا او برای ضرورت روزه‌اش را باز کرده است؛ زیرا نجات برادرش که جانش معصوم است، واجب است» (فتاوی نور علی الدرب: ۱۶/ ۱۶۴).

والله اعلم